

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۱۵

(صفحه ۱۵۱-۱۶۴)

## چهارباغ نسخه خطی نویافته عصر تیموری هند

دکتر کریم نجفی بزرگر\*



### چکیده

نسخه خطی نویافته چهارباغ از جمله نسخ مهم خطی عصر تیموری هند و از مصنفات حکیم ابوالفتح گیلانی است. حکیم ابوالفتح گیلانی از علماء و حکمای بنام دوره صفوی است که به جهت اوضاع نابسامان سیاسی به دربار جلال الدین محمد اکبر مهاجرت نمود و به مقامات و مناصب عالی نایل گردید. نسخه خطی چهارباغ مجموعه‌ای از نامه‌ها، منشآت و رقعات حکیم ابوالفتح گیلانی است که خطاب به شخصیت‌های مهم دربار، حکام و سردمداران وقت نگاشته است. این نامه‌ها از نقطه نظر سیاسی اجتماعی، تاریخی جغرافیایی و به ویژه ادبی دارای اهمیت ویژه‌ای است که برخی از آن‌ها تبیین کننده اوضاع نابسامان ایران عصر صفوی است که زمینه مهاجرت صنوف مختلف به ویژه علماء و اندیشمندان ایران را به سرزمین هند ایجاد کرد.

**کلیدواژه‌ها:** ابوالفتح گیلانی، چهارباغ، منشآت، نسخه خطی.

نسخه خطی «چهارباغ» که مجموعه‌ای از نامه‌ها، منشآت و رقعات را در بر گرفته از جمله آثار و مصنفات حکیم ابوالفتح گیلانی است. برای مطالعه محتوای رقعات و اهمیت آن‌ها لازم است دوره حکومتی و شخصیت‌هایی که در آن‌ها مورد خطاب قرار گرفته‌اند بررسی شوند.

حکیم مسیح‌الدین ابوالفتح گیلانی متعلق به یکی از خاندان‌های مهم دوره صفوی است که به جهت شرایط نامساعد سیاسی در این دوره به دربار جلال‌الدین محمد اکبر (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴ق) مهاجرت کرد. پدرش ملا عبدالرزاق در حکمت نظر و تأله بینش فراوان داشت و سال‌ها منصب صدارت خان احمد کارکیا، والی گیلان (وفات: ۱۰۰۵ق)، به وی محول بوده است. در سال ۹۷۵ق که خان احمد به خیال طغیان و نافرمانی از دولت مرکزی افتاد، شاه طهماسب صفوی، سپاهی به سرکوبی وی گسیل داشت و گیلان را به تصرف درآورده او را به قلعه قهقهه فرستاد. ملا عبدالرزاق نیز گرفتار حبس گردید و نهایتاً در سال ۹۸۰ق در زیر شکنجه جان باخت (گلچین معانی، ج ۲، ص ۱۱۲۲). در این اوضاع نابسامان حکیم ابوالفتح با دو برادر دیگر خود حکیم نجیب‌الدین همام<sup>۱</sup> و حکیم نورالدین محمد قراری، که پسر ارشد مولانا عبدالرزاق بود، جلای وطن کرده متفقاً به هندوستان رفتند و در سال ۹۸۳ق به ملازمت جلال‌الدین محمد اکبرشاه رسیدند.

البته حکیم ابوالفتح و حکیم نجیب‌الدین همام از موقع‌شناسی در ملازمت شاه به ترقیات عمده نایل گردیدند و میرزا قراری به سبب لطیفه شاعرانه‌ای که در بدو خدمت بر زبان رانده بود مورد کم‌لطفی شاه قرار گرفته به بنگاله بدآب‌وهوا تبعید شد و به هیچ مقام شایسته‌ای نرسید و در همان جا درگذشت<sup>۲</sup>.

---

۱. نام اصلی وی نجیب‌الدین همایون بود و چون پدر جلال‌الدین اکبر همین نام را داشت نخست به همایونقلی و سپس به همام تغییر نام یافت. حکیم همام یک ماه پس از مرگ برادرش حکیم ابوالفتح روز نهم مهر ۹۹۷ق در نزدیکی کابل به حضور اکبرشاه رسید و شاه در غمگساری وی گفت: «تو را یک برادر از عالم رفت و ما را ده» برای تفصیل رک: ابوالفضل علامی، اکبرنامه، ج ۳، ص ۴۹۶-۵۶۶.

۲. مؤلف مآثر الامرا نوشته است: «وی در اوایل به کم‌منصبی راضی نشده ترک مجری و آمدورفت دربار کرده بود، این استغنا بر خاطر پادشاه گران آمده او را به حال تباه به بنگاله که در آن وقت آب‌وهوای مسموم داشت، و گناهکاری را که می فرستادند اغلب زنده برنمی‌گشت، تعیین کرد» و نیز رجوع شود به نامه‌ای که حکیم ابوالفتح به برادرش حکیم میرزا قراری در هنگام تبعید به بنگال با حکم کدخدایی به وی نوشته بود. در این نامه حکیم برادرش را به جهت ازدواج دوم در بنگال سرزنش کرده چنین می‌نگارد:

حکیم ابوالفتح برادر دیگری به نام حکیم لطف‌الله داشت که به دربار اکبری پیوست و او نیز در طب به حذاقت مشهور بوده است (بداؤنی، ج ۳، ص ۱۶۹).

یکی از ویژگی‌های مهم دوره سلطنت ۵۱ ساله جلال‌الدین محمداکبر (۹۶۳-۱۰۱۴ق) مهاجرت تعداد قابل توجهی از شخصیت‌های علمی، فرهنگی و ادبی به دربار وی بوده که از مجموع ۷۴۵ مهاجر دوره صفوی به دربار سلاطین تیموری هند بالاترین رقم، یعنی ۲۵۹ نفر، متعلق به دوره اکبر بوده است. این موضوع نمایانگر تسلط او بر اوضاع و احوال سیاسی مملکت هند و ثبات نسبتاً خوب اوضاع اقتصادی و به‌خصوص آوازه دین الهی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز همه مذاهب و فرق در کنار یکدیگر بود که عامل بسیار مهم در جذب صنوف مختلف اندیشمندان از ایران به هند گردید.<sup>۱</sup>

در چهارباغ حکیم ابوالفتح در نامه‌های خود شخصیت‌های مهمی را مورد خطاب قرار داده که از جمله آن‌ها می‌توان به عبدالرحیم خان‌خانان<sup>۲</sup> (ابوالفتح گیلانی<sup>۱</sup>، ص ۳۴، ۳۷، ۵۹، ۸۰)، قاضی نورالله شوشتری<sup>۳</sup> (همو<sup>۱</sup>، ص ۲۳)، ملا فتح‌الله شیرازی<sup>۴</sup> (همو<sup>۱</sup>، ۲۷)، میرشریف

«معروض ضمیر منبر آنکه چنین استماع افتاده که طبع سلیم از قاعده مستقیم منحرف گشته بعد از تحصیل حکمت عین سبیل تحقیق زاویه منفرجه و قائمتین فرموده‌اند و دست استضلال از کمر خیال درکشیده در منزل محل کچال آرمیده‌اند و تختگاه سلامت و فراغ را از قله والتبتل اسلم میل به وادی تناکحوا تکثروا نموده...»

«آخر ای طبیب روحانی و ای مزیل امراض نفسانی بفرمای که صفرای کدام حلواى شیرین موجب شرب این تمر و ترنجبین شده و سودای کدام پسته نمکین باعث تجرع ماء‌الجبن این انگبین گشت...»

ای بسته قید کدخدایی چونی  
وی خسته شهوت‌آزمایی چونی  
در حسرت روز پارسایی چونی»

(ابوالفتح گیلانی<sup>۲</sup>، ص ۷-۸).

۱. برای آگاهی بیشتر نک: نجفی‌برزگر، ص ۱۶۷-۱۷۱.

۲. عبدالرحیم خان‌خانان از وزیران قدرتمند و هنرپرور و از شاعران دربار تیموریان هند در زمان اکبر و جهانگیر بود و در روند مهاجرت هنرمندان و شعرای ایرانی به دربار تیموریان هند نقشی مؤثر داشت. برای اطلاع بیشتر در شرح حال عبدالرحیم خان‌خانان نک: صباح‌الدین عبدالرحمن، ص ۲۵۱-۲۹۲.

۳. قاضی نورالله شوشتری که قاضی‌القضات دربار اکبر بود. بداؤنی (ج ۳، ص ۱۳۷-۱۳۸) تجلیل قابل توجهی از تسلط فقهی و قضای وی در دربار نموده است.

۴. ملا فتح‌الله شیرازی در سال ۹۹۳ق از سوی جلال‌الدین اکبر منصب امین‌الملکی یافت و در همان سال مخاطب به عضدالدوله گردید و متعاقباً در سال بعد به صدارت کل بلاد هندوستان رسید و در سال ۹۹۷ق در کشمیر وفات یافت و چند روزی پس از وی حکیم ابوالفتح گیلانی نیز درگذشت. ابوالفتح در یکی از نامه‌های خود به وی چنین خطاب می‌کند: «نواب اعلم العلماء احکم الحکماء شاه فتح‌الله را جهان جهان آرومند است...» (ابوالفتح گیلانی<sup>۲</sup>، ص ۲۷).

آملی (هموا، ۵)، میرصدرجهان مفتی (هموا، ۲۲، ۳۷، ۶۲، ۶۳)، خواجه شمس‌الدین خوافی (هموا، ص ۲۸، ۲۹، ۹۱)، شیخ ابوالفضل (هموا، ص ۱۰۵) و برادرش حکیم همام (هموا، ۲، ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۹، ۴۰، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۵، ۶۴، ۷۷، ۸۴، ۸۶، ۹۲، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۷) اشاره نمود که ۲۲ نامه از مجموع ۶۷ مکاتبه اختصاص به حکیم همام داشته است.

### اهمیت سیاسی اجتماعی و تاریخی رقعات چهارباغ

این مکتوبات در زمانی تحریر گشته که حکومت سیاسی اکبر با اقتدار تمام برقرار بوده و اوج مهاجرت علما و اندیشمندان در این برهه تاریخی صورت گرفته است. ابوالفتح گیلانی هم از افراد مؤثر و کارگشای دربار اکبر بوده است؛ چنان که اوحدی بلیانی (ج ۱، ص ۵۶۲) درباره او گفته است: «از اُمرا و مریدان اکبرشاه بود و... در تربیت همه کس کوشش می‌نموده، عنایت و نوازش از هیچ کس تقصیر نمی‌فرموده. مربی و ممدوح مولانا عرفی و بسیاری از فضلا و شعرا و امراست. کار جمیع مردم هند بزرگ و خرد، دوست و دشمن بر نحو اتم و نهج اکمل می‌گذرانیده. در همت و نهمت و فطنت و بزرگ‌منشی منفرد است. عبدالباقی نهاوندی (ج ۳، ص ۸۴۸-۸۴۹) نیز درباره منشآت او چنین اظهار داشته که: «هیچ شاهدهی و دلیلی بر حالت و کیفیت آن جناب بهتر از منشآت او نیست». او پس از استقرار در دربار اکبر نامه‌ای در سال ۹۸۴ق/۱۵۷۶م به برادر خود حکیم لطف‌الله، که در آن زمان در ایران به سر می‌برد، مرقوم می‌نماید که این نامه بازگوکننده اوضاع سیاسی اجتماعی و تاریخی ایران و هند است. او در بخش اول نامه خود با اشاره به اوضاع نابسامان ایران چنین اظهار می‌نماید:

«به تخصیص درین ایام که استماع می‌افتد که قدر و قیمت کم‌تر شناخته می‌شود البته قوه خارجه هست و وقوف بالغه نیست. در جایی که داد بی‌کسی ندهند و شناخت جواهر آدمیت حکم عنقا داشته باشد حیف نباشد که آدمی در آنجا باشد. اینکه انسان با سباع و بهایم به سر نمی‌برد سیر حکمت همین است که بهترین متاع جهان صحبت هم‌جنس است. اگر این هست همه سهل است و الا کار مشکل و اندیشه سخت، مصراع:

جانا به غریبستان چندین بنماند کس بازای که در غربت قدر تو نداند کس»

وی در ادامه به جایگاه مقتدرانه دربار جلال‌الدین اکبر و جایگاه خودش پرداخته چنین می‌نگارد:

«به امداد بخت که از توفیقات ربانی و از نعمت‌های ایزد، بنده مهین آن شهنشاه دادگستر و عدالت‌پرور، پادشاه کشور مهرور به شرف سجده و بساطبوسی خدیو زمان، ناظم جهان، قطب زمین حق سبحانه و تعالی، مشرف گشت و سر شادمانی و سرور به اوج آسمان سوده از هر جا و هر کس بعد از شرف رخصت به عرض اشرف اقدس آنچه به قدر وسع و طاقت بود رسانید چون بنای کلام بر راستی و درستی و اخلاق و بندگی بود از اغراض بری و غریبی پسند و خاطر نشان مجلس اقدس می‌شد و به تحسین و آفرین سرافراز و ممتاز می‌گشت از آن جمله از حسن اخلاق و مکارم اشفاق ملازمان، روزها به شب و شب‌ها به روز آورد و بندگان حضرت اعلی را بر سر شفقت و عطوفت برد» (ابوالفتح گیلانی، ۲، ص ۳-۴).

حکیم با این مطالب اوضاع هند را برای مهاجرت برادرش حکیم لطف‌الله بسیار مساعد تشریح نموده و وی را برای مهاجرت تشویق و ترغیب می‌نماید. مخاطب اکثر نامه‌های حکیم ابوالفتح در چهارباغ امرا و سردمداران حکومتی دوره اکبر بوده و محتوای آن‌ها آمیخته‌ای از اوضاع سیاسی اجتماعی، تاریخی و فرهنگی و بعضاً تذکرات اخلاقی جهت اصلاح امور حکومتی است.

ابوالفتح در نامه‌ای، به عبدالرحیم خان خانان توصیه اخلاقی می‌کند که مبادا به‌عنوان فرمانروای حکومت، حقوق نزدیکان خود را بر عموم مردم ترجیح دهد:

«اعتمادالدوله و فرمانفرمای بودن پسندیده اخلاقی را سزاوار است که در وسعت آباد خلق کریمش تمشیت مهمات نزدیکان بر دوران، و آشنایان بر بیگانگان رجحان نداشته باشد، بلکه طلب نیکنمایی و اظهار تمامی را عالی‌همت خود مصروف حاجت‌روایی و راحت‌افزایی گردانیده با وجود استعداد خصوصیت قرب و بعدش منظور نباشد. بیت:

کسی دانه نیک‌مردی نکاشت      کزان خرمن کام دل برداشت

اگرچه در آشنایی به اظهار محبت پیش‌دستی نمودن و به دست جوانمردی و حسن خلق در سخن را گشودن بزرگان و برگزیدگان را لایق و سزاوار است، اما ملازمان درگاه حقیقت و وفا را التزام بذل جهد آن مایه خورسندی به دست آوردن که در مراعات حقوق

آشنایی شرمنده نباشد در کار و ناچار است چه دانش‌طلبان را از بازدید سخن خردمندان به یقین پیوسته که هر نسبت محبتی که ناشی باشد از خیریت ذاتی و ذات شریفی ممکن‌الزوال نیست توفیق منان به لوازم این نسبت گرمی قرین روزگار حق‌شناسان باد» (همو، ۱، ص ۳۴).

### اهمیت ادبی رقعات

رقعات موجود در نسخه‌ی خطی چهارباغ از نظر ادبی نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است. در برخی از نامه‌ها اطلاعاتی ارائه شده که در دیگر منابع ادبی و تاریخی موجود نیست. آیین ملک‌الشعرایی از جمله آیین‌های مهمی بود که در سلسله‌ی تیموریان هند اولین بار توسط اکبرشاه بنیانگذاری شد و منصب ملک‌الشعرایی به تعدادی از شعرای بنام اعطا گردید. در آیین اکبری به نام پنج نفر از شعرایی که به مقام ملک‌الشعرایی منصوب گردیدند تصریح شده که دو نفر (مولانا غزالی مشهدی و شیخ ابوالفیض فیضی آگره‌ای)، متعلق به دوره‌ی اکبرند، طالب‌آملی از دوره‌ی نورالدین محمد جهانگیر است و دو نفر (محمدجان قدسی مشهدی و ابوطالب حکیم همدانی) به دربار شهاب‌الدین شاهجهان اختصاص داشته‌اند؛ اما در یکی از رقعات موجود در چهارباغ از خواجه حسین ثنایی، از قصیده‌سرایان و تازه‌گویان مشهور قرن دهم هجری، نیز به‌عنوان ملک‌الشعرای دربار اکبر یاد شده است.

پس از درگذشت مولانا غزالی مشهدی، اولین ملک‌الشعرای دربار اکبر، این منصب به خواجه حسین ثنایی رسید و پس از وفات او در سال ۹۹۶ ق این منصب در سال ۹۸۸ ق به شیخ ابوالفیض فیضی تفویض شد. در نامه‌ای که حکیم ابوالفتح گیلانی در اواخر سال ۹۸۹ ق از نواحی لاهور به برادر خود حکیم همام در فتحپور فرستاده بود چنین نگاشته است:

«به خدمت نادرالعصری ملک‌الشعرایی خواجه حسین ثنایی دعا و سلام رسانیده آرزومند ملازمت دانند، پریرویز یکی از شعرا نظمی گفته به خدمت آورده بود، حضرت (= اکبرشاه) به دولت فرمودند که «ما شعر خواجه حسین ثنایی را که قرینه ندارد نشنیدیم، شعر ترا مردک خواهیم شنید؟» (همو، ۲، ص ۵۸).

حکیم ابوالفتح در ایام بیماری خواجه حسین ثنایی دو نامه به وی نوشته و برای او آرزوی سلامتی نموده و نامه ذیل را که تصریح بر ملک‌الشعرایی وی داشته در رمضان سال ۹۹۶ ق برای او ارسال نموده است:

«خدا مملک‌الشعراى نادرالعصرى خواجه حسین ثنایی، همیشه به‌وسیله واردات غیبی مسرت‌بخش خاطر مهجوران بوده حسد روزگار بر او بیش از حسد او بر روزگار باد، چون اکثر خاطر شریف را به انزوا و تجرید و گوشه‌نشینی راغب و مایل می‌یابد اگر گاهی به‌وسیله مرض سریع‌الزوالی انحراف مزاج صحت‌امتزاج که همچو ایام فراغت ارباب استعداد، قریب‌الزوال دست دهد روزی چند از خانه شریف که بیت‌الشرف خورشید تواند بود بیرون نیابند دوستان صادق حمل بر شق اول کرده در مقام عیادت در نمی‌آیند بلکه در مقام اعتراض می‌آیند که این چه کسالت طبع است و هوس انزوا که آشنایان را معدوم انگاشته با بیگانه‌وشی چند به‌سر می‌برند حقا که این همه مقدمات بهانه و عذر تقصیرات است و به‌درشد از کاهلی‌ها، نعوذ بالله منه، امید که سلامت بوده همگی از اوضاع خیر مأل اطلاع فرموده به رجوع خدمت منت نهند و از تقصیرات جمعی که در آنجا عذر بسیار نموده خدمت را معذور گشته‌اند دیده و دانسته درگذرند» (همو، ۲، ص ۱۰۶).

حکیم ابوالفتح در نامه‌ای دیگر خطاب به خواجه حسین ملک‌الشعرا چنین نگاشته است:

«خدا رفیع‌مقام ملک‌الشعرا کریم‌الذات خواجه حسین از حوادث روزگار و سوانح لیل و نهار محفوظ و از مستلذات ایام بوقلمون به حظ وافر بهره‌مند باشند. انزوا و گوشه‌نشینی از اندازه بیرون رفت امید که انحراف مزاج به استقامت تبدیل یافته باشد، عذر لنگ را زیاده ازین در میدان معذرت‌گشایش پای محکم کرده نمانده احباب را حرمان ملاقات از حد گذشته به همه‌حال چگونگی احوال را اطلاع بخشیده خاطر دوستان را به تمامی متعلق رفاهیت منزلین و خیریت دارین خود دانسته از دل‌ها دور ندانند و آنچه بر مرآت ضمیر غیب‌نما از صدور معانی لاریبی سمت جلوه‌گری یافته باشد نیازمندان گوش‌برآواز را از آن نغمه دل‌فریب به منتهای آرزو رسانند» (همو، ۲، ص ۱۰۷).

در نامه دلجویانه دیگری به خواجه حسین، که در حال نزع بود، نیز چنین با او سخن گفته است: «کتابت جگرسوز خدام نادرالعصری خواجه حسین ثنایی، سلمه الله تعالی و

ابقاه، که مبنی بر نهایت یأس از امید صحت بود رسید و کلفت خاطر را باعث شد...» (هموا، ص ۴۳).

حکیم ابوالفتح پس از درگذشت ملک الشعراء خواجه حسین ثنایی در حاشیه مکتوبه خود چنین نگاشت: «خواجه حسین ثنایی هم این جهان را بدروود کرد. مصراع: آنکه نمرده‌ست و نمیرد یکی‌ست» (هموا، ص ۱۲۵).

### اهمیت جغرافیایی رقعات

رقعات موجود در نسخه خطی چهارباغ از منظر جغرافیایی نیز دارای اهمیت ویژه است. در نامه‌هایی که به حکام و شخصیت‌های حکومتی در مناطق مختلف هندوستان ارسال شده نام جغرافیایی آن مناطق حتی روستاها و قصبات نیز ذکر شده و این موضوع در مطالعات تاریخی و حتی تاریخ‌نگاری محلی اهمیت بسیاری دارد.

از این نامه‌ها معلوم می‌شود که اماکن نامبرده شده در زمان اکبری هم با همین اسم بوده‌اند مثلاً دیسوهه یکی از روستاهای بخش هوشیارپور بوده و همچنین تانده در بخش هوشیارپور که هنوز هم وجود دارد. البته اسم «تانده» در سه نقطه هندوستان به کار برده شده است: ۱. در جهان‌قلعه بنگال در جایی که حکیم قراری و همراهانش زندانی شدند؛ ۲. تانده در بخش هوشیارپور؛ ۳. در روستایی در نواحی شهر گجرات.

نام دیگری که در رقعات ابوالفتح آمده، مچله پتن، بندرگاهی است که انگلیسی‌ها آن را مسولی پتن نام نهادند. علاوه بر این‌ها در رقعات اسامی روستاها و قصباتی از ایران و افغانستان وجود دارد مثل اندخود که این روزها اندخویی نیز گفته می‌شود. اسامی رودخانه‌هایی نیز در این نامه‌ها ذکر شده؛ مثل «چناب» یا «آب بهیره» یا نیلاب یا صوبه‌هایی همچون پنجاب یا بنگال و غیره که هر کدام از این‌ها در مطالعات جغرافیایی تاریخی دارای اهمیت ویژه‌ای است.

### نسخه‌های خطی رقعات

اگرچه تاکنون فهرستی جامع از رقعات و منشآت ابوالفتح گیلانی انتشار نیافته، نسخه‌های متعددی از نوشته‌های وی در کتابخانه‌های دولتی و شخصی به دست آمده

است. در مقدمه کتاب رقعات حکیم ابوالفتح گیلانی به تصحیح دکتر محمد بشیر حسین به معرفی تعدادی از نسخه‌های خطی پرداخته شده که مشخصات آن‌ها بدین شرح است:

۱. نسخه خطی کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور به شماره PIX۹۷/الف.
۲. ذخیره شیرانی دانشگاه پنجاب لاهور به شماره ۱۱۹۶/۱ مکتوبه ۱۱۲۸ ق/ب.
۳. نسخه خطی کتابخانه دانشگاه اسلامی علیگر در هند ذخیره لتن/د.
۴. نسخه خطی کتابخانه ایندیا آفیس اته به شماره ۲۰۶۳/ج.
۵. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران فهرست دانش‌پژوه، ج ۱۰، شماره ۳۸/۲۹۴۴ ط.
۶. کتابخانه عمومی هاردینگ در دهلی به شماره ۲۲۷/۳۷.
۷. کتابخانه بانکی پور فهرست عبدالمقتدر ضمیمه ۱ و ۲.
۸. کتابخانه آسیایی بنگال غربی فهرست ایوانو به شماره ۳۵۱.
۹. کتابخانه آسیایی بنگال غربی فهرست مولوی اشرف‌علی شماره ۷۸۰.
۱۰. کتابخانه دانشگاه بمبئی فهرست شیخ عبدالقادر.

### ویژگی‌ها و تفاوت‌های نسخه خطی نویافته با نسخه چاپی

اصل نسخه خطی موجود در نزد نگارنده در مقایسه با نسخه خطی محمد بشیر حسین (چاپ اداره تحقیقات پاکستان دانشگاه پنجاب لاهور، ۱۹۶۸م) تفاوت‌های قابل توجهی دارد. نسخه خطی نویافته موسوم به چهارباغ به خط نستعلیق زیبایی کتابت گردیده و به جهت افتادگی انجام کتاب، کاتب آن نامعلوم است. دارای تعداد ۱۰۹ برگ، ۱۵ سطر در اندازه ۱۸ × ۱۱ می‌باشد. آغاز نسخه با «بسم‌الله الرحمن الرحیم» است و در سطر اول مصنف نسخه را این‌گونه معرفی نموده است: «رقم‌زده قلم معنی‌نگار حکیم ابوالفتح گیلانی نورالله مرقده». کاتب با ذکر جمله «نورالله مرقده» نشان داده که مجموعه پس از فوت مصنف جمع‌آوری شده است.

آغاز متن: «چهارباغ دنیا را حق سبحانه و تعالی چنان که باید و شاید به اقسام اشجار و انهار و فواکه و ازهار آراسته و...»

عناوین نامه‌ها با خط قرمز کتابت شده است. مطالب از گوشه سمت راست صفحه

آغاز شده و خاتمه آن به گوشه سمت چپ صفحه منتهی گردیده است. گوشه و کنار صفحه دارای حواشی تکمیلی است.

## تفاوت‌های دو نسخه

۱. در نسخه خطی نویافته ۶۷ مکتوب و در نسخه دوم ۷۲ مکتوب موجود است.
۲. در ابتدای نسخه نویافته مصنف معرفی گردیده؛ اما در نسخه دوم عبارت معرفی مصنف وجود ندارد.
۳. تفاوت‌های دو نسخه از مکتوب دوم آشکار می‌شود. در نسخه نویافته پس از رقعۀ اول خطاب نامه دوم به نجیب‌الدین حکیم همام است؛ اما در نسخه دوم خطاب نامه دوم به حکیم لطف‌الله می‌باشد.
۴. از ۶۷ مکتوب موجود در نسخه نویافته ۱۴ مکتوب مشترک بوده و ۵۳ مکتوب در نسخه نویافته جدید می‌باشد.
۵. در متن مکتوبات مشابه در هر دو نسخه کاستی و فزونی‌هایی مشاهده می‌شود.
۶. در مکتوب سوم نسخه لاهور صفحه ۵ خطاب نامه به اعتمادخان ثبت شده؛ اما در نسخه نویافته مخاطب نامه عبدالرحیم خان خانان است. البته محتوای هر دو نامه یکی است.
۷. بیشتر مخاطبان نامه‌ها در هر دو نسخه مشابه و یکی هستند؛ ولی محتوای نامه‌ها اختلاف دارد و گاهی برخی از نامه‌ها در نسخه اول و برخی در نسخه دوم یافت می‌شود که در کنار هم تکمیل‌کننده موضوع می‌باشند و از جمله آن‌ها مکتوبات مربوط به ملک‌الشعرایی خواجه حسین ثنایی است.
۸. اختلاف در هر دو نسخه در خصوص مخاطبان نشان‌دهنده این است که مکاتبات در حد وسیع‌تری بوده؛ اما تا این حد در اختیار کاتبان مناطق مختلف قرار گرفته است.
۹. خاتمه نسخه خطی نویافته که ناقص است با نسخه دوم که از نظر مطلب ناقص نیست مشابهت ندارد و کاتب نسخه چاپ لاهور نیز مشخص نیست.
۱۰. در مجموع با توجه به اینکه در هر دو نسخه اکثر مخاطبان یکی بوده و مطالب مختلف است، باید برای بهره‌برداری و تکمیل سند از هر دو نسخه بهره‌برداری شود.

## منابع

- ابوالفتح گیلانی (۱)، رقعات / چهارباغ (نسخه خطی نویافته موجود نزد نگارنده مقاله).
- \_\_\_\_\_ (۲)، رقعات، به تصحیح محمد بشیر حسین، اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاهور، ۱۹۶۸.
- ابوالفضل علامی، آیین اکبری، منشی نول کشور، لکهنو، ۱۸۸۱.
- \_\_\_\_\_، اکبرنامه، کلکته، ۱۸۷۷.
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخر احمد، میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹.
- بداؤنی، عبدالقادر، منتخب التواریخ، به تصحیح احمد علی صاحب، با مقدمه و اضافات توفیق‌هد سبحانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.
- صباح‌الدین عبدالرحمن، بزم تیموریه، مطبع معارف، اعظم‌گره، ۱۹۷۳-۱۹۸۳.
- عبدالباقی نهاوندی، متأثر رحیمی، به اهتمام هدایت حسین، کلکته، ۱۹۲۱.
- گلچین معانی، احمد، کاروان هند، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.
- نجفی‌برزگر، کریم، «ویژگی‌های دوره اکبری در روابط فرهنگی ایران و هند»، قند پارسی، ش ۳۳-۳۴، بهار - تابستان ۱۳۸۵.





صفحه آخر

والتجارت  
برونق و قباغ خال بریند  
کامکار و درویشی و درویشی از دست درویشی  
سید سلیمان محمد درویشی و درویشی  
مختر است که با این طایفه از دست درویشی  
تشنه است که با این طایفه از دست درویشی  
لطیف و درویشی از دست درویشی  
سازگور و درویشی از دست درویشی  
خانان و درویشی از دست درویشی  
محل و درویشی از دست درویشی  
بهرین و درویشی از دست درویشی  
خلایق و درویشی از دست درویشی  
بهرین و درویشی از دست درویشی  
درمان

۱۰۹

فصل